



طیب و ماجرای
شب عاشورای
۱۳۴۲

دسته طیب شب عاشورا (۱۲ خرداد ۱۳۴۲) طبق معمول هر سال از تکیه بیرون آمد. طیب در جلوی علامت تکیه در حال حرکت بود و سینه‌زن‌ها پشت سر وی حرکت می‌کردند. آن شب برخلاف سال‌های قبل، تصاویر امام (ره) روی علامت‌ها و پرچم‌ها نصب شده بود. دکتر غلامعلی حداد عادل که در هیئت حضور داشته می‌گوید: «در همان شب من تقریباً در سه‌چهار قدمی طیب ایستاده بودم که اتومبیل در بار کنار

خیابان توقف کرد و رسول پرویزی، معاون اسدالله علم از آن پیاده شد و سریعاً خود را به طیب رساند و پس از سلام کردن گفت: طیب‌خان!... آن عکس‌ها را بردار. طیب گفت: من عکس‌ها را بر نمی‌دارم. او چندین مرتبه خواسته خود را تکرار کرد و چون با مخالفت طیب روبه‌رو شد، با لفظی که حالت تهدید داشت خطاب به طیب گفت: طیب‌خان دارم به تو می‌گویم بدجوری می‌شود! طیب نیز گفت: می‌خواهم بد بشود!»

حضور در
هیئت‌ها و
حسینیه‌های
بزرگ

یکی از برنامه‌های هیئت‌ها دشتی‌ها حضور در حسینیه‌ها و هیئت‌های دیگر از جمله حسینیه کربلایی‌ها تهران است. داش‌مشتی‌های برای نشان دادن ارادتشان به آقا امام حسین، بنا بر سنتی قدیمی در روز عاشورا از میدان بارفروش‌ها به راه می‌افتند و مسیرشان خیابان ری، چهارراه مولوی، خیابان سیروس، بوذرجمهری، گلوبندک، خیام، میدان اعدام و خیابان مولوی و بازگشت به تکیه است. آنان در این مسیر در حسینیه کربلایی‌های چهارراه گلوبندک به رسم ادب حضور می‌یابند و دقایقی عزاداری می‌کنند.

هیئتی که به یاد ارادت خاص طیب حاج‌رضایی به امام حسین (ع) تشکیل شد

عزاداری به سبک
داش‌مشدی‌ها



نصیبه سجادی

در جنوب تهران جنب میدان خراسان خیابانی است به نام طیب که عده‌ای از اهالی قدیم آن برای گرامیداشت یاد دوستشان طیب حاج‌رضایی با شکل و شمایل خاصی وارد هیئت می‌شوند و برای امام حسین (ع) عزاداری می‌کنند.

تکیه در بنگاه حاج علی نوری

هیئت داش‌مشدی‌ها به احترام طیب که ارادت خاصی به سرور و سالار شهیدان داشته و در ایام محرم برای اقامه عزای سنگ تمام می‌گذاشته این هیئت را تشکیل دادند و با هم قرار گذاشتند با لباس و پوشش همان سال‌ها در هیئت و بین مردم ظاهر شوند. طیب در همان محله قدیمی صابون‌پزخانه بازار چه حاج‌غلامعلی، انتهای باغ فردوس مولوی در منزلش تعزیه‌داری حسینی را شروع کرد. بعدها به دلیل محدودیت مکان از آنجا نقل مکان کرد و به حوالی خیابان خراسان رفت و با توسعه عزاداری حسینی در ایام محرم تکیه مفصلی در داخل بنگاه حاج علی نوری واقع در خیابان ری در کنار انبار گندم برپا کرد. البته باید گفت که طیب پس از تشریف به زیارت مرقد مطهر امام حسین (ع)، ۶۱ سال پیش، به جرگه



سینه‌زنان
صد دسته

به تدریج سبک و سیاق عزاداری طیب و دسته سینه‌زنان منسوب به او که شامل صد دسته سینه‌زن بود معروف شد. دسته طیب از میدان بارفروش‌ها در روز عاشورا به راه می‌افتاد و مسیر آن خیابان ری، چهارراه مولوی، خیابان سیروس، بوذرجمهری، گلوبندک، خیام، میدان اعدام و خیابان مولوی و بازگشت به تکیه بود. زمان حرکت دسته به احترام طیب دیگر دسته‌های عزاداری در مسیر از حرکت بازمی‌ایستادند. گروه‌های بسیار زیادی با شعارهای مذهبی سینه می‌زدند که هر کدام پرچم‌های خودشان را داشتند و از محله‌ها و حتی شهرهای مختلف خودشان را رسانده بودند. طیب بین اهالی محله خراسان چهره محبوبی دارد و اهالی به نقل از پدران خود خاطرات زیادی از او نقل می‌کنند، همه هم به خوبی و نیکی؛ اینکه طیب لوطی‌منش و دستگیر نیازمندان بود. هوای محله را داشت و... شاید قدیمی‌ها به همین دلیل برای اینکه این مرام و منش ماندگار بماند با شمایل پهلوان طیب هر سال در هیئت داش‌مشدی‌ها دورهمی برگزار و برای امام حسین (ع) عزاداری می‌کنند.

تکیه‌های محقر
اما باصفای باباشمل‌ها

علیرضا زمانی

تهران شناس و پژوهشگر تاریخ



یکی از مشخصه‌های عزاداری‌ها در دوره قاجاریه، نقش و حضور پررنگ جوانان لوطی‌منش، معروف به «داش‌مشدی» بود. این گروه در سروصورت دادن به دسته‌ها، تکیه‌ها و تعزیه‌ها نقش محوری داشتند. معمولاً در داخل این تکیه‌ها سقف یا طاق نمایی کوچک شبیه اتاقک می‌ساختند. در میان این طاق نما یک اتاقک اصلی وجود داشت که آن را با وسایل مختلفی مانند کشکول، تبرزین و پوست حیواناتی مانند روباه و شیر تزئین می‌کردند. این اتاق مقرر باباشمل‌ها بود. هر باباشمل برای خودش دار و دسته داشت و هر گروه زیر طاق‌های مخصوص خودشان براساس رسم آن باباشمل عزاداری می‌کردند. پس، این عزاداری‌ها یک شکل نبود و هر تازه‌واردی هم می‌توانست در یکی از طاق‌نماها به عزاداری بپردازد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های برپایی تکیه‌های عزاداری در ماه محرم، پذیرایی از عزادارانی بود که ساعت‌ها مخلصانه و بی‌ریا در سوگ امام حسین (ع) سینه‌چاک می‌کردند و اشک می‌ریختند. معمولاً در تکایای مردمی و محلی خبر چندانی از بریز و بیپاش‌های هیئت‌های اعیانی نبود و در تابستان با شربت و زمستان هم با قهوه و چای از عزاداران پذیرایی می‌کردند. البته باز هم با توجه به مدیریت هر باباشمل، پذیرایی هر طاق هم متفاوت بود. در دوره قاجاریه یکی از رسم‌های باباشمل‌ها در دسته‌های سینه‌زنی اجرای مشاعره در وصف مظلومیت خاندان پیامبر (ص) بود. در این برنامه که سکاندار آن باباشمل‌ها بودند، با اشعار «محتشم کاشانی» مشاعره صورت می‌گرفت و این مراسم طرفداران زیادی داشت.

در کتاب «شرح زندگانی من» عبدالله مستوفی نیز آمده است: «وقتی فلان اعیان محل روضه‌خوانی داشت، داش‌مشدی‌های بدون هیچ طمع و فقط از راه تعصب بچه‌محلگی آنچه در قوه داشتند برای تجلیل مجلس بچه‌محل خود به عمل می‌آوردند، دسته خود را به این تکیه می‌بردند و مایه کاری سینه‌زنی می‌کردند و صاحب مجلس اگر کاری به آنها محول می‌کرد از دل و جان انجام می‌دادند.» باباشمل‌ها یا لوطی‌ها در واقع پایه اصلی شکل‌گیری تکیه‌ها در کوچه و بازار بودند و پایه‌پای مردم در علم کردن بساط عزاداری همراهی می‌کردند. بنابراین، اگر سعی، همت و فداکاری بی‌ریای داش‌مشدی‌های تهران نبود، شاید عزاداری‌های محرم به این طول و تفصیل و شکوه برگزار نمی‌شد.

